

حدیث روز:
امام صادق (ع) هرکه خاثنی را امانت دار امانتی کند، اورا نزد خدا ضمانتی نباشد.

پلک احساس:
باید که جمله جان شوی تا لایق جانان شوی
گر سوی مستمان می روی مستانه شوم مستانه شو

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۷
اذان مغرب: ۲/۰۴
اذان صبح (فردا): ۴/۰۳
غروب آفتاب: ۲/۲۴
نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۳
طلوع خورشید (فردا): ۵/۵۰

ج‌ام‌دیل

شایه ۳۵ ISSN ۱۷۳۷۰۳۶۳۷
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

سه شنبه ۳ تیر ۱۳۹۹ | ۱۴۴۱ القعدة ۱۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۶۸۷ | استان تهران و البرز ۲۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - June 23, 2020

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روح... رجایی

امروز در تاریخ:

📅 زادروز حضرت معصومه (س) و روز دختر
📅 محمدعلی شاه قاجار بعد از به توپ بستن مجلس، دستور حکومت نظامی صادر کرد (۱۲۸۷)
📅 سربازان پادگان مرواوتپه در ترکمن صحرا به رهبری سالار جنگ، علیه رضاخان قیام کردند. این قیام اما پس از گذشت سه هفته به وسیله رضاخان سرکوب شد. (۱۳۰۵ش)

حکمت ۳۶:

📖 کسی که آرزوهایش طولانی است کردارش نیز ناپسند است.

پیش بینی آب و هوا سه شنبه
تهران ۲۳ / ۳۴
ایلام ۱۷ / ۳۵
اراک ۱۲ / ۳۴
بیرجند ۱۹ / ۳۷
تبریز ۱۸ / ۳۱
قزوین ۱۶ / ۳۳
کرمانشاه ۱۶ / ۳۰
گرگان ۲۰ / ۳۶

تلنگر

دکان عطاری

لب صخره ایستاده ام،
تب تابستان به پیشانی ام
نشسته، زیر پام دریا موج
می زند و هول و ذوق پریدن
عصب به عصب توی تنم
می دود؛ گاهی اوقات فکر

روزنامه نگار
می کنم مگر کودکی من در
دکان عطاری گشته؟ مگر
می شود وقتی به پیچی فکر می کنی این قدر رنگ
و بو دم پر خیالت شود؟ اولین باری که
مسؤولیت عوض کردن پوشال کوثر افتاد
گردنم، با خودم گفتم بالاخره از این شیء عجیب
را کشف می کنم. زیر تب تابستان به زحمت
دست انداختم توی دستگیره های دیواره کوثر
آبی و کشیدم بالا و درش آوردم. به زحمت چفت و
بست پوشال را باز کردم و بیرونش کشیدم. با
دقت، پر به پر را بازش کردم و لا به لایش را
جوړیدم. هیچ چیزی به جز رگه های پیچ در پیچ
پوشال نبود. راستش لای این پیچه دنبال
کودکی ام می گشتم. دنبال این که چه می شود که
هر بار بوی پوشال خیس به مشام می خورد،
دستم را می گیرد و می برد لای لایه خاطرات دور
کودکی ام می چرخاند. می برد به روزهایی که
تابستان فقط ورق خوردن تقویم از سی و یک
خرداد به یک تیر نبود. تابستان یک هزارتوی
هول و ذوق بود که با ذوق می دویدی تویش و
می دویدی و می دویدی و یک جایی از این هزارتو
درمی آمدی و نمی فهمیدی چه شد که غروب سی
و یک شهریور جسیبد به ساعت خانه.
حالا که زیر کوثر بازی به تقویم تابستان نگاه
می کنم فکر می کنم این روزها نه تنها کوثر گازی،
که هیچ چیز زندگی مان بو ندارد. حالا نرماه است
و در تکیه روزمرگی کاری ام ایستادم و صخره و دریا زیر
مرداد است و درگیر همین روزمرگی. انگار نه
انگار چند روز پیش بار بود و الان تابستان. این
زندگی بدون بو دست ما را گرفته از دکان عطاری
آورده پشت میزی که کوچ یک فصل و رسیدن
فصل تازه در تقویمش اتفاق مهمی نیست.
قدیم ها سی و یک خرداد مثل لحظه ای بود که
زیر تب تابستان می ایستادم لب و صخره و دریا زیر
پام موج می زد و هول و ذوق پریدن عصب به
عصب توی تنم می دوید. از تب سی و یک خرداد
که می پریدم توی خنکای موج یکم تیر، دلم
می ریخت. قدیم ترها تغییر یک فصل اتفاق
مهمی بود. 📖

گفت وگو با اسماعیل آذری نژاد، قصه گوی بچه های روستایی

دعوا نکنیم، حرف بزنیم



📖 «به جای فحش دادن به تاریکی، شمع می روشن کنی». این جمله را حتما شنیده اید. گروهی حتی در دهه های قبل آن را می نوشتند و به دیوار اتاق شان می زدند تا مثلاً مثبت اندیشی و راه تغییر جامعه را یاد بگیرند و از خودشان شروع کنند. اما این شعار کمتر به عمل تبدیل شده که اگر می شد الان باید شرایط بهتر بود و لازم نبود خیلی اتفاقات ساده مثل صحبت کردن فرزندان با والدین و حل مشکلات در خانواده به چالشی مهم تبدیل شود. اگر هر کدام از ما شمع می روشن کرده و تغییرات کوچک را شروع می کردیم شاید الان میزان اخبار ناگوار که می شنیدیم کمتر بود، اتفاقاتی که کاملاً به رفتارهای فردی ما بستگی دارد. اسماعیل آذری نژاد اما از آن آدم هایی است که بدون توجه به سرما و گرما و بالا و پایین شدن قیمت ارز و دعاوهای سیاسی و حتی کم و زیاد شدن حقوق معلمان و بدون این که منتظر بماند تا کسی بیاید اتفاقی را رقم بزند، خودش دست به کار شده و تالان کاری کرده کارستان. برای بچه های روستاهای کهگیلویه و بویر احمد کتاب می برد و برایشان قصه می خواند، هدف و آموزش مهارت گفت وگو به بچه ها است. او معتقد است گفت وگو تنها ابزاری است که می تواند آینده بچه ها را روشن کند.

طاهره آشتیانی

روزنامه نگار

📖 به نظرتان گفت وگو چگونه شکل می گیرد و چگونه می تواند پیشرفت کند و باعث تغییر رفتار شود؟

خاطره ای برایتان تعریف کنم. در روستایی بین بچه ها بودم و از آنها سوال کردم اگر وسیله شما را دوستان بی اجازه بردار چه می کنید؟ یکی گفت او را کتک می زنم، دیگری گفت به مادرش می گویم، یکی گفت به او ناسزا می گویم و... به آنها گفتم یک راه دیگر هم وجود دارد. به او بگویید: چرا بدون اجازه برداشتی؟ یکی از بچه ها دستش را نشان داد و گفت: «و وقتی کوچک تر بودم یک روز دستم را در جیب پدرم کردم. او دید و دستم را داغ کرد. در مدرسه هم معلم ما را با شیلنگ می زند! به نظرم بهترین راه، کتک زدن است چون هم در خانه و هم در مدرسه بزرگ ترها از این روش استفاده می کنند! راستش را بخواهید آن بچه حرف درستی گفت. وقتی بچه ها گفت وگو را نه در خانه یاد می گیرند و نه در مدرسه، چگونه باید از آنها توقع داشت در اجتماع مسائلشان را با گفت وگو حل کنند و این مهارت اولین گزینه ای باشد که به ذهنشان می رسد؟

📖 پدر و مادرشان تاثیرگذار باشند؟
کتاب هایی که برای بچه ها می خوانم و به آنها می دهم، گفت وگو محور است. وقتی بچه با داستان گفت وگو کردن را یاد بگیرد، از آن در همه جا استفاده می کند، در محیط خانه به جای پرخاشگری و گریه و دعوا، حرفش را می زند. وقتی بزرگ شده و وارد جامعه شود وقتی با مشکلی رو به رو شود به جای بروز خشم، حرف می زند. وقتی حرف بزند حتی دچار بزه هم نمی شود، چون خلای احساس نمی کند که با بزه کاری آن را بر کند. آدم ها وقتی حرف درونشان می ماند و تلبار می شود، به خشم روی می آورند. وقتی چیزی که قدر را آزار می دهد به کلمه تبدیل شود، رنجش و خشم را کم می کند. آدم ها ذاتاً تمایل دارند، صحبت کنند و برای بیان خواسته یا مشکل خود از زبانشان استفاده کنند تا دستشان. اما زمانی که مهارت گفت وگو را بلد نیستند و نمی توانند از کلمات استفاده کنند به دست و قدرت بدنی شان روی می آورند و درگیر خشونت های رفتاری می شوند. در روستاها زیاد می بینم که بچه ها کتک کاری می کنند. وقتی به مادرانشان مراجعه کرده و طرح مسأله می کنم که چرا بچه ها را کتک می زنید، آنها هم یاد می گیرند، از پاسخ های آنها متوجه می شوم



شقایق های دماوند

تابستان با آفتاب داغش اگر آدم ها را کلافه می کند اما لاله های دشت لا که بر دامنه دماوند رویده اند، زیبا و دلربا تر کرده است. دماوند که یکی از نمادهای ایران سربلند است، این روزها دیدنی تر از زمان دیگری است. / عکس: مهر

وقتی والدین و بچه ها حرف زدن با یکدیگر را بلد باشند، مسلماً خشونت کمتر می شود، چون بسیاری از مسائل و ابهامات در همین مکالمات رفع می شود. این را هم بگویم که مردهای ایرانی کمتر اهل حرف زدن هستند و به شکل سنتی تمایلی به گفت وگو ندارند. برعکس خانم ها که اهل حرف زدن و ابراز احساسات خود هستند. مردهای ایرانی باید بیاموزند محبت خود را به زبان بیاورند. از حضرت رسول (ص) حدیث داریم که روزی سه بار به همسرتان بگویید دوستش دارید. وقتی محبت به زبان بیاید، ناخودآگاه خشم را کم می کند. وقتی مرد با همسرش حرف بزند و درباره مسائل مختلف با او گفت وگو کند در برابر دخترش نیز همین رفتار را انجام می دهد و این خودش باعث شکستن چرخه خشونت و پنهان کاری در خانواده می شود.

📖 به جز آموزش و پرورش، تلویزیون به عنوان یک رسانه تصویری که تاثیر زیادی بر مخاطب دارد، چگونه می تواند مهارت گفت وگو را افزایش دهد؟

باید سیستم گفت وگو در جامعه شکل گیرد. در این روش همه باید دست به دست هم بدهند. عزم ملی لازم دارد. همه رسانه ها و آموزش و پرورش باید در کنار هم فرهنگ سازی را شروع کنند. معلم ها باید بپذیرند که فقط منتقل کننده یک سری درس های خشک و غیر کاربردی به بچه ها نیستند. حتی درس ها باید به شکل گفت وگو به دانش آموزان تدریس شود. فرهنگ من می شنوم و می گویم باید باب شود. اگر می خواهیم جامعه در هر رده و طبقه ای رشد کرده و از خشونت دور شود باید یاد بگیریم حرفمان را بزنیم و حرف دیگران را هم گوش کنیم. گوش دادن هم بخشی از مهارت گفت وگو است. این که یکی حرف بزند و دیگری با دیگران بگویند چشم به چرخه خشونت و ناامنی روانی ختم می شود. آموزش و پرورش چون ارتباط مستقیمی با بچه ها دارد و دانش آموزان را بر این باورند که مدرسه جای آموختن است، وظیفه بسیار مهمی در این زمینه دارد. چند سالی است درس هایی در کتاب ها گنجانده شده که مهارت های فردی از جمله گفت وگو را به دانش آموزان می آموزد. اما آموزش و پرورش مشکل دیگری دارد و آن معلمانی است که آن قدر به روز و تعلیم دیده نیستند که بتوانند این آموزه ها را به شکل رفتاری و عملی به بچه ها یاد بدهند. معلم های کم حوصله که فقط می خواهند ساعت کاری خود را پر کرده و زود از مدرسه بیرون بزنند و تا روز بعد و کلاس بعدی با بچه ها هیچ ارتباطی ندارند، چگونه می توانند مهارت های کاربردی و رفتاری را به دانش آموزان یاد بدهند؟ به نظرم به موازات تغییر کتب درسی، معلمان هم باید آموزش ببینند و یاد بگیرند چگونه با بچه ها تعامل داشته باشند و به آنها آموزش بدهند. 📖



کافه
میرداماد

راز توپ ۶۶ میلیون ساله قطب جنوب



یک تیم بین المللی دانشمندان به این نتیجه رسیدند فسیل مرموز به شکل توپ، که سال ۲۰۱۱ در قطب جنوب کشف شد، در واقع تخمی است که میلیون ها سال پیش توسط خزندگان دریایی غول پیکر گذاشته شده است.

به گزارش فرادید، متخصصان پس از مطالعه فسیل باکمک میکروسکوپ ها، چند لایه غشایی را کشف کردند که نشان می دهد این توپ در واقع تخمی با پوسته نرم است. کارشناسان همچنین دریافتند که سن فسیل کشف شده حدود ۶۶ میلیون سال است.

محققان با توجه به خالی بودن تخم، به منظور شناسایی موجودی که آن را گذاشته، تناسب بدن ۲۵۹ خزنده زنده با اندازه تخم های آنها را مقایسه کردند. سپس آنها یک فهرست از موجودات منقرض شده را که از نظر اندازه مناسب بودند، بررسی کردند و سپس به این نتیجه رسیدند که این تخم توسط یک خزنده دریایی باستانی به نام موساسور گذاشته شده است. این نمونه اولین تخم فسیلی است که در قاره قطب جنوب پیدا می شود. همچنین، ارزش این کشف آن است که باعث رد شدن این تز غالب در علم می شود که گویا موجوداتی مانند موساسور تخم نمی گذارند.

قطاری با سرعت

۶۰۰ کیلومتر بر ساعت

قطار سریع السیر maglev چین به طور موفقیت آمیز آزمایش شد و سرعت آن به ۶۰۰ کیلومتر بر ساعت رسید.
به گزارش فارس، این آزمایش دیروز روی یک خط ماکلو در شانگهای صورت گرفت و نشانگر دستیابی به موفقیت مهم در تحقیقات و توسعه ماکلو با سرعت بالا در این کشور بود. توسعه سیستم حمل و نقل ماکلو با سرعت ۶۰۰ کیلومتر در ساعت یک پروژه کلیدی در برنامه حمل و نقل ریلی پیشرفته چین است که توسط وزارت علوم و فناوری آغاز شده است. تولید نمونه اولیه ای از قطار maglev ۲۰۱۹ در شهر کوینگدائو چین آغاز شد. تیم پروژه با مسؤولیت بخش فنی CRRC چینگدائو دارای بیش از ۳۰ شرکت، دانشگاه و پژوهشگاه متخصص است. پیش بینی می شود سیستم نمونه اولیه ماکلو با سرعت بالا تا پایان سال ۲۰۲۰ مورد استفاده قرار بگیرد.

هفته مبارزه با مواد مخدر گرامی باد – سه شنبه سوم تیر ماه

تقویت همکاری های بین بخشی و فرابخشی در عرصه مبارزه با مواد مخدر



ستاد مبارزه با مواد مخدر